

[ادله تحریم مشاهده فیلم ها و تصاویر مبتذل 1](#_Toc507613421)

[دلیل اول؛ آیه شریفه 2](#_Toc507613422)

[تقریب اول: 2](#_Toc507613423)

[تقریب دوم: 2](#_Toc507613424)

[تقریب سوم: 3](#_Toc507613425)

[بررسی مفاد "یغضوا من ابصارهم" 3](#_Toc507613426)

[خدشه در مدّعای آقای خوئی و تایید قول مشهور 5](#_Toc507613427)

[وجه فرق بین قول مشهور وقول استاد مطهری 5](#_Toc507613428)

[شواهدی از روایات بر صحت قول منتخب 6](#_Toc507613429)

[قول لغویین در معنای غض العین 7](#_Toc507613430)

**موضوع**: حکم نظر به فیلم و عکس /تلذذ جنسی /محرّمات

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث راجع به حکم نظر به فیلم ها و تصاویر مبتذل بود. قول مشهور عدم جواز است و برخی نظیر آقای سیستانی حتی در مورد نظر بدون شهوت نیز قائل به احتیاط وجوبیِ ترکِ نظر می باشند هر چند برخی نظیر صاحب رساله استفتائات قائل شده اند که اگر نظر به آنها منجر به حرام نشود، منعی ندارد[[1]](#footnote-1).

###### ادله تحریم مشاهده فیلم ها و تصاویر مبتذل

عمده ادله ی داله بر حرمت مشاهده ی چنین تصاویر و فیلم هائی سه دلیل است:

دلیل اول؛ آیه شریفه

آیه ی شریفه ﴿ قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَی لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾[[2]](#footnote-2). استدلال به این آیه به سه نحو و تقریب ممکن است:

تقریب اول:

تقریبی که بر اساس نظر مشهور است به اینکه: مفاد آیه شریفه نهی از نظر است و عبارت "یغضّوا من ابصارهم" کنایه از امر به ترک نظر است. بله، قطعاً مراد مطلوبیت ترکِ نظر به هر چیزی نیست بلکه به تناسب ذیل آیه و فقره "یحفظوا فروجهم" و "یغضضن من ابصارهن" مراد ترک نظر در اموری است که مرتبط با شؤون زن و مردی است.

و اطلاق آیه شریفه دلالت بر عدم جواز نظر دارد، چه به نفسِ زنان اجنبیه و چه به تصاویر و فیلم های مبتذل آنان. و حداقل آن است که آیه شریفه آمر به ترک نظرِ شهوانی به تصاویر و فیلم های مبتذل است.

تقریب دوم:

این تقریب نیز بر اساس نظر مشهور بوده و مفاد آیه شریفه را امر به ترک نظر می داند، لکن به این بیان: ولو آیه شریفه اطلاق و شمولیتی نسبت به تصاویر و فیلم های مبتذل ندارد، لکن حرمت نظر به نساء اجنبیه دو ملاک می تواند داشته باشد.

ملاک اول احترام به آنان است، فلذا نظر به تصویر برهنه زن مسلمانی که مکلّف او را می شناسد نیز جائز نیست چرا که چنین نظری مستلزم هتک حرمت آن زن است. ملاک دوم، مفسده ی تلذّذ جنسی است، در مورد زنان کافره ملاک اول منتفی است - کما اینکه در موثقه سکونی نیز آمده بود "عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله: لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى شُعُورِهِنَّ وَ أَيْدِيهِنَّ[[3]](#footnote-3)" – پس ملاک حرمت نظر به آنان مفسده تلذذ جنسی است بنابر این اگر نظر بدون تلذذ باشد منعی از نظر به آنان نیست.

با این حساب قائلیم نفس همان ملاک دوم یعنی مفسده تلذذ جنسی که مانع از نظر شهوانی به زنان اجنبیه کافره بود در نظر به تصاویر برهنه و فیلم های اینچنینی نیز وجود دارد و بین حرمتِ نظر شهوانی به این زنان و حرمت نظر شهوانی به تصاویر و فیلم های مبتذل آنان ملازمه عرفیه وجود دارد، و عرف ملاک تحریم در اول را در مورد دوم نیز جاری و ساری می بیند.

تقریب سوم:

این تقریب بنابر مبنای کسانی است که مثل مرحوم آقای خوئی قائلند مفاد آیه شریفه نهی از نظر کردن نبوده و تعبیر "غضّ البصر" کنایه از ترک نظر نبوده بلکه تعبیری است کنایی از چشم پوشی و طمع نداشتن. و مفاد غضّ البصر مفهومی است مقابل مفاد مدّ البصر - ﴿ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾[[4]](#footnote-4) -، لذا مفاد عبارت "غضّ بصرک عن اموال الناس" این است که چشمانت را به اموال مردم ندوخته و طمع در اموال آنان نداشته باش. علی هذا فقره "یغضّوا من ابصارهم" در آیه شریفه امر به چشم ندوختن و نهی از طمع کردن در نساء اجنبیه است نه اینکه ناهی از نظر عادی به زن اجنبی در حین صحبت کردن باشد. علی هذا مفاد این آیه شریفه نهی از استمتاع جنسی به غیر زوجه است. اما استدلال به این آیه بر حرمت نظر به فیلم و عکس مبتذل زن اجنبیه به یکی از دو طریق متقدم - تمسّک به اطلاق آیه و شمولیت آن نسبت به تصویر و فیلم مبتذل، یا وجود ملازمه عرفیه بین حرمت نظر شهوانی به زن اجنبیه و حرمتِ نظر شهوانی به فیلم و تصویر مبتذل وی- ممکن خواهد بود.

بررسی مفاد "یغضوا من ابصارهم"

بعد از بیان سه تقریب موجود مناسب می دانیم برای روشن شدن مفاد آیه ی شریفه قدری در معنای فقره "یغضّوا من ابصارهم" بحث کنیم.

مشهور گفته اند که معنای "غُضَّ بصرَک" همان "لاتنظر" است، چرا که غضّ البصر مقدمه ترک النظر بوده و از آنجا که امر به مقدمه ابلغ از امر به ذی المقدمه می باشد - نظیر اینکه به جای نهی از استعمال سیگار گفته شود نزدیک سیگار نیز مشو، یا برای نهی از زنا گفته می شود ﴿لا تقربوا الزنا﴾[[5]](#footnote-5) چرا که قربِ به زنا مقدمه تحقق آنست - لذا به جای نهی از نظر، امر به غضّ بصر کرده است.

آقای خوئی فرموده اند: این مطلب مخدوش است، چرا که غضّ البصر و عدم النظر نقیضین نبوده بلکه ضدّان لهما ثالث می باشند چرا که ممکن است مکلّف غض البصر نداشته باشد و در عین حال نظر را نیز ترک نکند به اینکه پرده ای جلوی چشم خویش حاضر کند که مانع از نظر شود. و امر به ضدّ برای از نهی از ضدّ آخر در جائی که این دو از موارد ضدّان لهما ثالث می باشند عرفی نیست، مثل اینکه برای اینکه شخص را از سینما رفتن نهی کنیم بگوییم به خیابان برو! یا برای اینکه وی را از جلوس نهی کنیم امر به قیام کنیم!.

بگذریم از اینکه اصل این مطلب - که برای نهی از نظر مامور به ضد آن یعنی غضّ البصر شده ایم، زیرا غضّ البصر مقدمه ی ترک النظر است- صحیح نیست، چرا که گزاره ی "وجودِ ضدّ، مقدمه ترک ضدّ آخر است" عند العقل باطل است کما اینکه امر در گزاره ی "ترک ضدّ مقدمه ی وجود ضدّ آخر است" نیز چنین است و عرف نیز این دو گزاره را صحیح نمی داند.

لا یقال: این معنای مدّعای شما – که غض البصر به معنای طمع نداشتن باشد ونه ترک النظر- خلاف روایات است نظیر روایت شریفه "إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ"[[6]](#footnote-6)، که بالقطع والیقین معنای "غضوا" نهی از نگاه کردن است و نه -نعوذ بالله- طمع کردن.

فانّه یقال: معنای حقیقی غضّ البصر اطباق الجفون است، و در روایت مطرح شده مراد معنای حقیقی است که به احترام حضرت صدّیقه طاهره سلام الله علیها خلائق امر به بستن چشمانشان می شوند، لکن این ربطی به محلّ بحث ما – یعنی آیه شریفه- ندارد چرا که مسلّماً مراد از "یغضّوا من ابصارهم" در آیه شریفه معنای حقیقی غضّ البصر نیست، لذا قیاس این روایت به آیه ی محلّ بحث قیاس مع الفارق است.

و وقتی که مراد معنای حقیقی نبود، ما مفاد آیه را معنای مجازی -که همان ترک الطمع باشد- می دانیم. و شاهد بر صحت ادّعای ما این است که آیه شریفه حاوی "مِن" جارّه است، فلذا معنای آیه نهی از مطلق نظر به نامحرم نیست، چرا که نهی از چنین امری بی نیاز از ذکر "مِن" جارّه بود، و تعبیر به "یغضّوا ابصارهم" وافیِ به این معنا بود، لذا معنای این آیه بواسطه ذکر حرفِ جرِّ مذکور اینست که مردان مراعات کرده و چشم چرانی نکرده و از زنان اجنبیه چشم پوشی کنند نه اینکه به زنان نامحرم نگاه نکنند.

و اگر گفته شود مفاد حرف جرّ مذکور تبعیض است به این صورت که آیه دلالت بر حرمت بعضِ افراد از نظر می کند، گوئیم: اولا حرمت بعض از افرادِ نظر به اجنبیه -نظیر نظر به عورتِ زن اجنبیه- امری است واضح و این مطلب گفتن ندارد، ثانیا لو سلّمنا که دالّ بر تبعیض باشد، مع ذلک این معنا ناقض مدّعای مشهور است که مفاد آیه شریفه را منع از مطلقِ نظر به اجنبیه می دانستند.

خدشه در مدّعای آقای خوئی و تایید قول مشهور

به نظر ما فرمایش خوئی ناتمام است و ظاهر آیه همان مطلبی است که مشهور گفته اند. و اصلاً کجای آیه شریفه دلالت بر معنای مدّعای آقای خوئی - نهی از طمع کردن به اجنبیات- می کند؟! بله؛ اگر در موردی قرینه ای در بین باشد، مثل اینکه گفته شود "غض بصرک عن اموال الناس" قطعا مراد ترک نظر کردن نیست بلکه مراد نهی از حسرت خوردن و طمع داشتن است، لکن آیه شریفه چه قرینه ای بر اراده این معنا دارد؟!

و اما مطلبی که ایشان فرمودند به اینکه: "غض البصر و ترک النظر ضدّان لهما ثالث بوده و معنا ندارد برای نهی از شیء امر به ضد آن کنیم" تمام نیست، چرا که این تعبیر، تعبیری عرفی است که برای ترک النظر امر به غض البصر کنیم. مثل اینکه شخصی در حجره اش به هم اتاقی خود بگوید "اغمض عینک حتّی ابدل ثوبی"، آیا استفاده از این تعبیر بدل از تعبیر به "لاتنظر" نزد عرف استهجانی دارد؟!

مضافا به اینکه اصلاً معنای حقیقی غضّ البصر، اطباق الجفون نیست. بلکه غضّ البصر معنائی دارد مقابل مدّ البصر و خیره شدن. بله؛ غمض العین به معنای اطباق الجفون و در مقابل فتح العین است، لکن غضّ البصر افاده ی چنین مطلبی را نمی کند.

و اما در مورد روایت مذکوره نیز مراد از "غضوا ابصارکم" پایین آوردن چشم است و نه بستن آن، فلذا در تفسیر فرات کوفی در ادامه این روایت ذیلی آورده است که "فلا ینظر یومئذ الا ابراهیم و علی بن ابی طالب[[7]](#footnote-7)"، یعنی فقط این دو بزرگوار نگاه می کنند و باقی نگاه نمی کنند نه اینکه باقی مردم چشمانشان را روی هم می گذارند.

برای روشن شدن ادّعای مشهور اولا چند روایت مطرح کرده و سپس اقوال لغویین را بررسی می کنیم.

وجه فرق بین قول مشهور وقول استاد مطهری

مطلبی را که بعضی اشاره کرده اند را ابتدائاً عرض کنیم. مدّعای ما غیر از مطلبی است که برخی از معاصرین رضوان الله تعالی علیه در کتاب مسئله حجاب[[8]](#footnote-8) آورده اند به اینکه:

غضّ العین معنائی دارد در مقابل خیره شدن به چهره طرف. و آنچه ممنوع است خیره شدن به چهره ی زن اجنبیه است نه صِرف نگاه کردن. به طور مثال گاهاً استادی در کلاسِ درس به طور طبیعی به شاگردانش نگاه می کند، این مشکلی ندارد. لکن تارةً میگوید خانم فلانی چرا کنار لبتان تب خال زده است، این دیگر صرف نظر کردن نیست بلکه وارسی کردن است و شرعاً ممنوع است.

ما این مطلب را قائل نیستیم، دقت شود تا معنای مدّعای ما و فرق آن با صاحب کتاب مساله حجاب روشن شود. سه احتمال در بین است:

احتمال اول: مدّعای آقای خوئی به اینکه معنایِ حقیقیِ غضّ البصر اطباق الجفون است که مسلّما مرادآیه شریفه این معنا نیست. که ما به این ادّعای ایشان اشکال کرده و گفتیم اطباق الجفون معنای غمض البصر است و نه غضّ البصر.

احتمال دوم: مطلبی که صاحب کتاب مسئله حجاب رضوان الله علیه ادعا کرده اند به اینکه غضّ البصر به معنای ترک خیره شدن و پایین انداختن نگاه است، نظیر ﴿واغضض من صوتک﴾[[9]](#footnote-9) که به معنای بلند نکردن صدا است نه اینکه شخص به گونه ای تکلّم کند که بغل دستی او نیز صدایش را نشنود. علی هذا آنچه ممنوع است خیره شدن است و نه نگاه کردن

احتمال سوم: که مراد ما این احتمال است به اینکه: معنای غضّ البصر پایین انداختن نگاه است لکن این معنا عرفا به معنای نگاه نکردن است، چرا که انسان اگر بخواهد به کسی نگاه کند نگاهش را بالا می آورد. و اما بحث درباره من جارّه بعدا خواهد آمد لکن اجمالاً بگوییم که ذکر من جارّه هیچ تاثیری در معنای غضّ البصر ندارد، حال یا من زائده است یا اینکه "غضّ" به معنای "نقص" ای است که با من جارّه متعدی می شود، و در لغت گفته شده است: "غضّ ای نقص و خفض" نه اینکه معنایش تبعیض باشد.

شواهدی از روایات بر صحت قول منتخب

"عَنْ حَمْزَةَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ أَوْ سَأَلَهُ غَيْرِي عَنِ الْحَمَّامِ قَالَ ادْخُلْهُ بِمِئْزَرٍ وَ غُضَّ بَصَرَكَ[[10]](#footnote-10)"

در ازمنه ی قدیمه بعض از مردم در حمام های عمومی مسئله ستر عورت را مراعات نمی کرده اند، لذا از حضرت در مورد حمام سوال شده است، حضرت در جواب فرموده اند: "ادْخُلْهُ بِمِئْزَرٍ وَ غُضَّ بَصَرَكَ" معنای این فقره چیست؟ آیا می توان احتمال دوم را مصاب دانسته قائل شد معنای روایت این است که نگاه کردن به عورت غیر اشکالی ندارد لکن خیره شدن به آن جائز نیست؟! و یا احتمال اول - فرمایش آقای خوئی – را مصاب دانسته قائل شویم مراد روایت این است که در حمام عمومی اطباق الجفون و بستن چشم واجب و لازم است؟! یا اینکه معنای مجازی که ایشان در آیه قائل شد را بگوییم و قائل شویم نظر کردن به عورت غیر مشکلی ندارد لکن طمع کردن به آن جائز نیست؟!!!

روایت بعدی: "انّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله و سلّم كان إذا فرح غضّ طرفه[[11]](#footnote-11)". حضرت هنگام خوشحالی چشمانشان را پایین می انداختند نه اینکه می بستند.

در غزوه احد نیز پیامبر صلوات الله علیه وآله فرمودند: "غضّوا ابصارکم[[12]](#footnote-12)" چشمانتان را پایین بیندازید – نه اینکه ببندید- چرا که به دشمن نگاه می کنید و هیبت حاصله از تعداد نفرات دشمن شما را سست می کند.

روایت بعدی خطاب حضرت امیر علیه السلام است به محمد حنفیه در جنگ جمل: "تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلْ عَضَّ عَلَى نَاجِذِكَ أَعِرِ اللَّهَ جُمْجُمَتَكَ تِدْ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ ارْمِ بِبَصَرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غُضَّ بَصَرَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ‌[[13]](#footnote-13)". یعنی نگاهت را پایین بینداز تا عِدّه ی دشمن موجب ضعف شما نشود.

روایت بعدی عبدالله بن سنان: "عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ دَخَلَ الْحَمَّام فَغَضَّ طَرْفَهُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى عَوْرَةِ أَخِيهِ آمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْحَمِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ"[[14]](#footnote-14).

روایت دیگر از ابی سعید خدری: "وَ لَا يَنْظُرَنَّ أَحَدٌ إِلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ وَ لْيَغُضَّ بَصَرَهُ عِنْدَ الْجِمَاعِ فَإِنَّ النَّظَرَ إِلَى الْفَرْجِ يُورِثُ الْعَمَى فِي الْوَلَد"[[15]](#footnote-15).

و یا روایت دیگر: "غُضَّ بَصَرَكَ عَنْ عَوْرَةِ النَّاسِ[[16]](#footnote-16)" و همچنین روایت: "روينا عن الأئمة ص أنهم أمروا بستر العورة و غضّ البصر عن عورات المسلمين[[17]](#footnote-17)".

قول لغویین در معنای غض العین

در بین اهل لغت نیز امر چنین است و ما که کلمات جُلّ - لو لا الکلّ – از لغویین را نگاه کردیم غضّ البصر را به پایین انداختن نگاه معنا کرده بودند نه بستن چشمان.

"و الغَضاضةُ: الفُتُورُ في الطرف يقال: غَضَّ و أَغْضى إِذا دانى بين جفنيه و لم يُلاق[[18]](#footnote-18)". دو پلک را نزدیک هم آورد لکن روی هم نگذاشت. در صحاح می گوید: "و غَضَّ منه يَغُضُّ بالضم، إذا وضَعَ و نقص من قدره[[19]](#footnote-19)". راغب اصفهانی در معنای این کلمه آورده است: "الغَضُّ: النّقصان من الطّرف، و الصّوت[[20]](#footnote-20)".

لذا به نظر ما حق با مشهور است که "یغضّوا من ابصارهم" به معنای نگاه نکنند می باشد.

مطلب دیگر اینکه متعلق نظر چیست آیا مطلق است که چنین اطلاقی قابل اخذ نیست یا اینکه قدر میتقن از آن نظر به فرج دیگران است که در صاحب المیزان گفته اند و بنابر این قول این آیه در بحث ما قابل استدلال نیست. ادامه بررسی در جلسه آینده ان شاء الله.

1. رساله استفتائات (منتظری): ج 1، ص 177، سوال 608 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره نور، آيه 30 و 31. [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص524.](http://lib.eshia.ir/11005/5/524/حرمة) [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره طه، آيه 131. [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره اسراء، آيه 32. [↑](#footnote-ref-5)
6. صحیفة الرضا علیه السلام، ص 63، حدیث 101. [↑](#footnote-ref-6)
7. تفسیر فرات الکوفی: 446. [↑](#footnote-ref-7)
8. مجموعه آثار شهید مطهری: ج 19، ص 474. [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره لقمان، آيه 19. [↑](#footnote-ref-9)
10. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج2، ص33، أبواب باب وجوب ستر العورة فی الحمام، باب3، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/2/33/بمئزر) [↑](#footnote-ref-10)
11. [مجمع البحرین، فخرالدین الطریحی، ج4، ص218.](http://lib.eshia.ir/27911/4/218/غضّ) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج1، ص262.](http://lib.eshia.ir/12015/1/262/غضّوا) [↑](#footnote-ref-12)
13. نهج البلاغة: 21. [↑](#footnote-ref-13)
14. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج1، ص300، أبواب باب وجوب ستر العورة ، باب1، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/1/300/فغضّ) [↑](#footnote-ref-14)
15. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج3، ص552.](http://lib.eshia.ir/11021/3/552/ینظرنّ) [↑](#footnote-ref-15)
16. [مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج1، ص245.](http://lib.eshia.ir/11015/1/245/عورة) [↑](#footnote-ref-16)
17. [بحار الانوار، محمّد باقر المجلسی (العلامة المجلسی)، ج77، ص192.](http://lib.eshia.ir/71860/77/192/عورات) [↑](#footnote-ref-17)
18. [لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، ج7، ص197.](http://lib.eshia.ir/20007/7/197/الفتور) [↑](#footnote-ref-18)
19. الصحاح: ج 3، ص 95. [↑](#footnote-ref-19)
20. المفردات فی غریب القرآن: 607. [↑](#footnote-ref-20)